

## تاثیر ایرانیان و زبان فارسی در تمدن اسلامی

رضا خدابخشی

<sup>۱</sup> دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس کردستان، ایران

### چکیده

تاثیر ایرانیان و زبان فارسی در تمدن اسلامی بر همگان مشخص است و می دانند. این پژوهش که به صورت کتابخانه ای تهیه و تدوین گردیده است در صدد پاسخ به این سوال است که ایرانیان چه نقشی در تمدن اسلامی داشته اند و زبان فارسی در این خصوص تا چه میزان توانسته به این مهم بپردازد. ایرانیان صاحب حکومت باستانی و تمدنی پیشرفته و اصیل بوده و با معارف و علوم مختلف آشنایی کامل داشته اند. آنها بسیاری از کتابهای هند و یونانی را به فارسی ترجمه کرده بودند و با علوم و ادبیات مختلف مانند: ستاره شناسی، هندسه، جغرافیا، طب، تاریخ، اساطیر، ریاضیات و طبیعیات آشنایی کامل داشتند. ایران یکی از دو همسایه بزرگ شبه جزیره عرب بود و با جمعیتی بیش از ۱۴۰ میلیون نفر بخشهای مهمی از عراق، حاشیه دجله و فرات و کارون، قفقاز، بخارا، سمرقند، خوارزم و غزنه را در بر می گرفت .

**کلید واژه ها:** ایران، زبان، فارسی، تمدن، اسلامی، عربی.

## مقدمه

قبل از اسلام هم بین ایرانیان و عربها ارتباطی وجود داشت و مدت متمادی با هم در تجارت بودند و علی رغم جنگهایی که بینشان اتفاق می افتاد هر دو ملت دارای روابط سیاسی بودند به همین جهت هم ایرانیان بر اعراب تاثیر گذاشتند و هم از آنان تاثیر پذیرفتند. مین طور اعراب هم از اوایل با زبان فارسی آشنایی داشته اند، زبان فارسی که به مدت چهار قرن در عصر حکومت ساسانیان زبان علم و تمدن بوده است. با این سابقه پر فروغ و این تمدن اصیل، ایرانیان وارد جامعه اسلامی شدند.

در بحث از تمدن یک ملت میتوان موارد زیر را لحاظ کرد:

۱. حکومت و هم چنین ارزشهای والا کرامت انسانی و امنیتی را که حکومت محقق می سازد و هم چنین آزادیهای عمومی و اجرای عدالت.

۲. فعالیتهای علمی چه نظری و چه عملی. خلاصه آنچه که حیات انسان را در زمین راحت تر می کند.

۳. فعالیتهای هنری در جنبه های مختلف آن که هنر بدون شک مظهر درخشان تمدن هر ملتی است.

۴. آیین ها و آداب و رسوم و سنت های ملی.

## ورود اسلام به ایران

ایرانیان نمونه ی بارزی در زمینه تمدن هستند. بعد از پیروزی اعراب بر ایران که علل و عوامل مختلفی درباره آن پیروزی وجود دارد، ((از جمله: ناخشنودی مردم از حکومت ساسانی و بیدادگری شاهان و تجمل پرستی کارگزاران ساسانی و تبعیض ها و امتیازات طبقاتی، بی روح شدن آیین زرتشتی و گرایش ها و انشعابات آن، فقدان انگیزه های دفاعی در سطوح متفاوت از فرماندهان تا سربازان، همراهی فعال مسیحیان عرب مجاور مرزهای امپراطوری ساسانی با عرب های مسلمان و مهاجم، جذابیت و دل نشین بودن اصول وحدت و برابری، ایمان جنگجویان مسلمان و تعصب نسبت به اعتقادات (ص ۲۰۱ تاریخ تحلیلی صدر اسلام دکتر محمد نصیری))، موانع بین اعراب و ایرانیان برداشته شد و ایرانیان دسته به دسته به اسلام رو آوردند و زبان عربی را

آموختند حتی دانشمندان و حکیمان ایرانی آثارشان را به زبان عربی نگاشتند، اما روابط متقابل و دوجانبه فقط در زمان حکومت عباسیان اول استحکام یافت و وارد شدن دانشمندان علوم ایرانی و هندی در جهان عرب در همین روزگار ناشی از آزادی افکاری بود که در این دوره برقرار بود.

## فعالیت ایرانیان در عصر زرین اسلامی

در این که ایرانیان فعالترین عناصر در ساختن میراث جاودان عربی اسلامی هستند هیچ شکی نیست. در عصر عباسی اول که به عصر زرین اسلامی مشهور است بسیاری از دانشمندان ایرانی بر فرهنگ عربی تاثیر می گذارند و حکومت عرب در این روزگار به گسترش قلمرو و آسایش زندگی می رسد. مشهور است که حکومت عباسیان رنگ و بویی ایرانی دارد و خلفای عباسی برخی کارهای حکومتی را به ایرانیان می سپردند و این یعنی گسترش فرهنگ ایرانی در این عصر نسبت به عصر اموی، از جمله طایفه برمکیان که به زبان و ادبیات عربی تسلط داشتند و در نشر فرهنگ ایرانی به ادب عربی تلاش می کردند.

مستشرق ایتالیایی آلدومیه لی در کتاب ((العلم عند العرب)) می گوید:

((دولت عباسیان به دلیل علاقه زیاد به معرفت و دانش، بررسی ادبیات قدیم ایرانی، هندی و یونانی را در دستور کار خود قرار دادند و این حرکت مستقیم از جانب خلفایی همچون منصور، هارون، مامون و معتصم نیز مورد حمایت قرار می گرفت که ایرانیان در ایجاد این تمدن با شکوه سهم به سزایی داشتند.))

بسیاری از ایرانیان در روزگار دولتهای عباسی و اموی در عرصه فعالیتهای تدوین میراث عربی شرکت جستند و در عصر عباسی دنیا را با علم و حکمت و شعر و نثر پر کردند. علم اولین وسیله ای بود که ایرانیان را برای شرکت در حکومت اسلامی آماده می کرد چون حکومت اسلامی به علم اهمیت فراوانی داشت و ایرانیان از قدیم صاحب فرهنگ و علم بودند شایسته بود که در این فعالیت فرهنگی مشارکت داده شوند و ایرانیان توانستند در روزگار عباسیان تواناییهایشان را به منصف ظهور برسانند.

### دانشمندان ایرانی در علوم گوناگون اسلامی

شاخه های ادبیات عرب از قبیل صرف، نحو، فقه، اشتقاق، لغت، معانی، بیان و نقد و... به دست ایرانیانی همچون: سیبویه و عبدالقاهر جرجانی (موسس علم بلاغت) و ابوعبیده معمر بن المثنی، خطیب قزوینی، زمخشری، ابن فارس، سکاکی و فیروزآبادی به رشد و تکامل رسیدند. همه ما از جایگاه کتاب سیبویه در بین کتابهای نحوی و هم چنین از شدت تاثیر پذیری ایرانیان نسبت به تدوین علوم بلاغی آگاه هستیم و می بینیم که در الازهر کتابهای ایرانیان در بلاغت تدریس می شود.

در کتاب تاریخ می توان از طبری صاحب کتاب ارزشمند تاریخ الرسل والملوک نام برد که علاوه بر موضوعات متفرق، دربردارنده مهمترین خبرها از قرون اولیه اسلامی است. همچنین می توان از یعقوبی و بلاذری نام برد. در جغرافیا نیز ایرانیان مطرح بودند و بیشترین مطالبی که در کتابهایشان آمده است حاوی اطلاعات آنهاست درباره موقعیت جغرافیایی سرزمینها، اقتصاد، تولیدات کشاورزی، راهها و اوضاع اجتماعی ساکنانش. در این زمینه می توان از ابوزید بلخی، جیهانی، اصطخری، زکریا بن محمد قزوینی صاحب کتاب آثار البلاد و اخبار العباد و تدوین دائرة المعارف مشهورش در عربی نام برد که حاوی اطلاعاتی مهم در شگفتیهای موجودات و بحث در معارف آسمانی و... می باشد.

در تفسیر، طبری و ثعلبی نیشابوری و فخر رازی را می بینیم که در علوم دینی و فلسفی سرآمد بودند و طالبان علم از نقاط مختلف سرزمینهای اسلامی برای فراگیری علم به نزدشان می رفتند و تالیفاتی در زمینه های مختلف علمی مثل فقه، تفسیر، کلام و فلسفه داشته اند.

در حدیث هم بخاری و مسلم (صاحبان صحیحین) و ترمذی و ابوداود سجستانی و نسائی از اصحاب صحاح سته را می بینیم که همگی ایرانی هستند. البته روایت حدیث در ایران مایه افتخار ایرانیان حتی برای پادشاهان بوده است. مثلا خلف بن احمد امیر سجستانی و اسماعیل سامانی امیر بخاری که از سر افتخار حدیث روایت می کردند. در ریاضیات و علوم عقلی دانشمندان ایرانی همچون خوارزمی و بیرونی (استاد علوم عقلی، اولین کسی که روش تطبیقی در علم را مطرح کرد) می باشند. هم چنین می توان از ریاضیدان بزرگ عمر خیام نام برد.

در پزشکی هم شهرت ابن سینا به شرق و غرب مساوی رسید، او در مورد پزشکی کتاب قانون را به تحریر درآورد و با حکمت و فلسفه هم آشنایی کاملی داشت، هم چنین محمد بن زکریای رازی که در طب عملی آوازه ای داشت که مهمترین ویژگی او کنکاوی و دقت در عوارض بیماری بوده است که در ثبت و شرح مشاهدات

ابتکاری عجیب داشت شهرت رازی در قرن شانزدهم به اروپا رسید و تحقیقات او در سال ۱۸۴۸ در لندن منتشر شد. رازی مورد احترام منصور بن نوح سامانی بود که کتاب ((المنصوری)) را برای او نوشت.

هرچند علوم عربی به وسیله ی ایرانیان بهترین بهره را برد ولی نباید از این حقیقت که خود عربها هم در زمینه علم حالت انفعالی نداشتند غافل ماند. اعراب در تاریخ علم و ادب ارزشهای درخشانی برای خود دارند و در تکوین و تدوین میراثشان سهم

بسیاری داشتند که کسی نمی تواند آنها را انکار کند. تمدن عربی اسلامی بزرگترین تمدنی است که جهان در طول قرون وسطی به خود دیده است که مورد اتفاق همه محققان است.

### تأثیر زبان فارسی در گسترش اسلام

در مورد زبان فارسی باید گفت: که این زبان مدیون اسلام است و اسلام هم در جایگاهی مدیون زبان فارسی است. زبانی که مردم پیش از اسلام در ایران به آن تکلم می کردند زبان پهلوی بود. هرچند که زبان دری مربوط به بخش شرقی ایران باستان بود ولی وقتی که اسلام به ایران آمد و زبان فارسی با عربی در هم آمیخته شد زبان فارسی ای را به وجود آورد که ما آن را با شاعران بزرگی همچون: سعدی، حافظ، فردوسی، نظامی، سنایی، عطار و جامی و ... می شناسیم. به خصوص چیزی که کمتر مورد توجه قرار گرفت این است که زبان فارسی تحت آمیختگی با زبان عربی دلنشین شد به همین جهت زبان و ادبیات فارسی به شدت و امدار آمیختگی با فرهنگ و تمدن مقدس اسلامی است.

### نتیجه گیری

گسترش اسلام و امدار زبان فارسی است. اعراب آن زمان فقط قسمتی از ایران بزرگ آن زمان فتح کردند و مابقی عالم اسلام که بخش دیگری از ایران بزرگ بود را در حقیقت ایرانیان با زبان فارسی به قلمرو فرهنگی تمدن اسلامی افزودند. مردم بخشهایی از هند، چین، ویتنام، مالزی، لائوس، کامبوج، فیلیپین و اندونزی عموماً توسط عارفان ایران با اسلام آشنا شدند و زبان فارسی برای آنان حکم زبان دینی را داشت. شما امروز هم در مساجد پکن که دورترین نقطه ی چین نسبت به عالم اسلام محسوب می شود کتیبه هایی با اشعار فارسی را می بینید. شما وقتی که از آسیای میانه به سمت شرق تا کشور مغولستان می روید بقاع تعداد زیادی از عارفان ایرانی را می بینید که به این سرزمینها سفر می کردند و مروج اسلام بودند. از طرف دیگر اولین و قدیمی ترین زبانی که بیش از هزار سال پیش قرآن به آن زبان ترجمه شد، زبان فارسی است. هم چنین بسیاری از معارف دینی هم به زبان فارسی به رشته ی تحریر درآمد و از این مطالب متوجه می شویم که زبان فارسی چقدر توانست در تحکیم و ترویج معارف اسلامی موثر واقع شود.

## فهرست منابع

۱. الدومیه لی العلم عندالعرب و اثره فی تطور العلم العالمی، ترجمه به عربی، دکتر عبدالحلیم نجار، و دکتر محمد یوسف موسی، دارالعلم، قاهره، ۱۳۸۱.
۲. دکتر محمد محمدی: ادبیات فارسی در مهمترین دوره ها و بزرگان آن، بیروت، ۱۹۶۷.
۳. کیرشمن: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۹.
۴. دکتر عبدالمنعم ماجد: تاریخ الحضارة الاسلامیة فی العصور الوسطی، ناشر مکتبۃ الانجلو المصریة، قاهره، ۱۹۶۳.
۵. خدابخش: الحضارة الاسلامیة، ترجمه و تعلیق دکتر علی حسن خربوطلی، دار احیاء الکتب العربیة، قاهره، ۱۹۶۰.
۶. تراث فارس: تحقیقات مستشرقین است که تحت اشراف: ا. ج. اربری بوده است. و دکتر محمد کفافی و دیگران آن را به عربی ترجمه کردند. قاهره، ۱۹۵۹.
۷. دکتر احمد محمد الحوفی: تيارات ثقافية بین العرب والفرس، دارالنهضة مصر، قاهره، ۱۹۶۸.
۸. تاریخ تحلیلی صدر اسلام دکتر محمد نصیری ۱۳۹۱

# The influence of Iranians and the Persian language in Islamic civilization

Reza Khodabakhshi

*Student of Educational Sciences, Farhangian University, Shahid Modares Campus, Kurdistan, Iran*

---

## Abstract

The impact of Iranians and the Persian language on Islamic civilization is clear and known to everyone. This research, which has been prepared and compiled in a library form, aims to answer the question of what role Iranians have played in Islamic civilization and to what extent the Persian language has been able to address this issue. Iranians have an ancient government and an advanced and original civilization, and they are fully familiar with various sciences and knowledge. They had translated many Indian and Greek books into Persian and were well acquainted with various sciences and literature such as: astronomy, geometry, geography, medicine, history, mythology, mathematics and physics. Iran was one of the two big neighbors of the Arabian Peninsula and with a population of more than 140 million people, it included important parts of Iraq, Tigris, Euphrates and Karun, Caucasus, Bukhara, Samarkand, Khwarezm and Ghazna.

**Keywords:** Iran, language, Persian, civilization, Islamic, Arabic.

---